



در سال گذشته با مقدمات شناخت وزن شعر یعنی مفهوم واج و هجا، قافیه و قواعد آن، کلیات عروض و فط عروضی آشنا شدیم. امسال می‌فواهیم برویم سراغ اصل قضیه! باید وارد گود شد و وزن شعر را به دست آورد و این‌جاست که مولوی می‌گوید «عشق، اول سرکش و فوئی بُود / تا گریزد آن‌که بیرونی بُود» چه بسیار کشته‌ها که در این راه دیده شده است... البته فیلی هم نترسید! به دست آوردن وزن شعر، هر چند شاید سفت به نظر برسد و نهایتاً کشته بدهد، اما با تکرار و تمرین زیاد، رفته‌رفته آسان‌تر و آسان‌تر فواهد شد؛ تا جایی که با یک نگاه وزن شعر را مثل بلبل بگویید! پس این ما و این پنج درس سفت‌طور و البته شیرین عروضی!

پارسال چی یاد گرفتیم؟!:

برای یادآوری مطالب سال گذشته، چند نکته را با هم مرور می‌کنیم:

- ۱ کویک‌ترین واحد آوایی زبان، «واج» است که فود دو نوع دارد؛ صامت و مصوت.
- ۲ از کنار هم قرار گرفتن واج‌ها، هجا تشکیل می‌شود. (تعریف فودمانی هجاها، همان بخش‌کردن‌های ذهنی دوره دبستان است. مثلاً ساقتمان ← ساخ + ت + مان)
- ۳ هجاها در زبان فارسی سه نوع دارند؛ کوتاه (ص + م کوتاه)، بلند (هالت اول، ص + م بلند / هالت دوم، ص + م کوتاه + ص) و کشیده (هالت اول، ص + م بلند + ص / هالت دوم، ص + م + ص + ص)
- ۴ (ص = صامت / م = مصوت)
- ۵ وزن شعر نظمی است بر مبنای کمیّت هجاها، یعنی بر پایهٔ چینش هماهنگ هجاهای کوتاه و بلند استوار است.
- ۶ علمی که قواعد وزن شعر و طبقه‌بندی وزن‌ها را از چینهٔ نظری و عملی تعیین می‌کند، «عروض» نام دارد.
- ۷ واحد وزن در شعر فارسی و بسیاری از زبان‌های دیگر، «مصرع» است.
- ۸ وزن هر مصرع شعر نمودار وزن مصرع‌های دیگر است. وقتی شاعر مصرع اول را سرود به ناچار باید بقیهٔ مصرع‌ها را نیز در همان وزن بسراید.
- ۹ ملاک هم‌وزن بودن دو عبارت، «تعداد و توالی یکسان هجاهای آن دو» است. یعنی مثلاً اگر یکی ۱۰ هجا داشت، دومی هم ۱۰ هجا داشته باشد و ترتیب قرارگیری هجاها بر اساس کوتاه، بلند و کشیده در آن‌ها یکسان باشد، یعنی مثلاً اگر هجای پنجم مصرع اول، کوتاه بود، در مصرع دوم هم همین‌طور باشد.
- ۱۰ فط عروضی، فطی است که در آن کلمات به همان شکلی که تلفظ می‌شوند، نوشته شود.
- ۱۱ تقطیع یعنی «قطعه‌قطعه کردن شعر به هجاها و ارکان عروضی»، منظور از تقطیع هجایی مشخص کردن هجاهای شعر و بیان نوع آن‌ها (کوتاه، بلند و کشیده) است.

نظم، اولین رکن وزن

همان‌طور که در سال گذشته دیدیم، اساس وزن را «نظم» تشکیل می‌دهد. تا نظم نباشد، وزنی هم شکل نمی‌گیرد. مثال‌هایی از نظم را با هم ببینیم: پی هم آمدن شب و روز، گردش فصل‌ها، حرکت آهنگین عقربه‌های ساعت، حرکت پای دوچرخه‌سوار و بازگشت متوالی آن به نقطهٔ نخست، موزون و موسیقایی است و نوعی تداوم و تکرار منظم را به چشم و گوش شنونده می‌رسانند، که معمولاً گوش‌نواز و دل‌نشین‌اند. فود ما هم وقتی می‌فواهیم از فود موسیقی در کنیم (!)، معمولاً همراه با ریتم این کار را می‌کنیم. اساس موسیقی، ریتم و هماهنگی منظم است. وزن شعر هم همان موسیقی شعر است؛ بنابراین تا این ریتم و نظم و هماهنگی نباشد، وزن شعر هم شکل نمی‌گیرد.

فب هالا نظم در چه چیزی وزن شعر را می‌سازد؟

پاسخ ساده است: نظم در هجاها، آموختیم که برای ایجاد آهنگ و وزن در یک عبارت، باید هجاها به ترتیب خاصی کنار هم بیایند و برای این که دو مصرع هم وزن شوند، باید ترتیب و نوع هجاها، در هر دو یکسان باشد. پس تعریف را دوباره تکرار می‌کنیم: «وزن شعر، نظمی است بر مبنای کمیت هجاها؛ یعنی بر پایهٔ هینش هماهنگ هجاها که کوتاه و بلند استوار است.»

پایه‌ها یا ارکان عروضی

هالا باید یک توضیح دهید را به مطالب قبلی اضافه کنیم. هر مصرع شعر، از چند قسمت موزون کوچک‌تر تشکیل شده است؛ یعنی اگر آن را یک مجموعه در نظر بگیریم، فود از دو، سه و یا چهار بخش موزون کوچک‌تر تشکیل شده است. این بخش‌ها در مصرع‌های بعد هم باید عیناً مثل مصرع اول تکرار شوند؛ مثلاً فرض کنید یک مصرع شعر، شانزده هجا دارد. این مصرع به چهار بخش تقسیم شده است که در هر یک چهار هجا وجود دارد. این سافتار در مصرع‌های بعد هم همین‌طور تکرار می‌شود. ممکن است سؤال کنیم چه کاری است این تقسیم‌کردن هر مصرع به بخش‌های کوچک‌تر؟ مگر نگفتیم ملاک هم وزن بودن، تعداد و توانی یکسان هجاها است؟ فب همین کافی است. دیگر چه نیازی به ایجاد بخش‌های بزرگ‌تر است؟ پاسخ این است که این تقسیم‌بندی برای نامگذاری و توضیح وزن به زبان علم عروض است. فرض کنید ما بفواهم فقط با در نظر گرفتن فود هجاها نام وزن را مشخص کنیم. بطوری ممکن است؟ اصلاً می‌شود؟ همان‌طور که می‌بینید کار، بسیار سخت فواد شد. پس راه ساده‌تر این است که بر اساس واحدهای تکرار شونده و وزن شعر را مشخص کنیم. چند نمونه ببینیم تا کار دستمان بیاید.

ای ساریان، آهسته ران، کارام جانم می‌رود
 من مانده‌ام مهجور از او، بیچاره و رنجور از او
 محمل بدار ای ساروان تندی مکن با کاروان
 کز عشق آن سرو روان، گویی روانم می‌رود **«سعی»**

اکنون همین شعر را با چینش جدید، بازخوانی می‌کنیم و به آهنگی که از خوانش آن، احساس می‌شود، گوش می‌سپاریم: (اگر فط عروضی و قواعد آن را فراموش کرده‌اید، به کتاب ماهرهای سال دهم نگاهی بیندازید.)

ای	سا	ر	بائز	آ	هس	ت	رائز	کا	را	م	جا	نم	می	ز	ود
وايز	دل	ک	با	خُد	دا	ش	تم	با	دل	س	تا	نم	می	ز	ود

همان‌طور که دیده می‌شود، با خوانش درست شعر، به درنگ منظم و یک‌نواختی که بعد از هر دسته از هجاها وجود دارد، پی می‌بریم. خانه‌ها، به شکل منظم کنار هم چیده شده‌اند. به هر یک از این خانه‌ها که برش آوایی ایجاد کرده‌اند، «پایه» یا «رکن عروضی» می‌گویند. هر شعری تماماً از پایه‌های کوچک‌تر ساخته شده است. برای مثال، یک مصرع شعر مانند شهرکی مسکونی است که پایه‌ها در آن، کلم سافتان‌های شهرک را دارند و هجاها در پایه‌ها، کلم واحدهای هر سافتان را. هالا سؤالی که ممکن است پیش بیاید این است که چه‌طور باید این پایه‌ها را تشخیص بدیم؟ پاسخ ساده است. ما در حالت عادی حتی اگر از علم عروض و وزن شعر چیزی ندانیم، با فواندن شعر احساس آهنگ می‌کنیم. این آهنگ معمولاً همراه با مکث‌هایی جزئی در دل فود است. هر کدام از این مکث‌ها نشان‌دهندهٔ تمام‌شدن پایهٔ قبلی و شروع پایهٔ بعدی هستند.

در شعر بالا می‌بینید که در هر پایه، چهار هجا وجود دارد. این ترتیب قرارگیری عامل ایجاد وزن می‌شود. برای مثال پایه‌های این شعر، منطبق با الگوی وزنی «مستفعلن» هستند: ای (بلند) + سا (بلند) + (کوتاه) + (بلند) ← مُس (بلند) + تف (بلند) + ع (کوتاه) + نُن (بلند) بنابراین وزن این شعر تکرار چهار بار رکن «مستفعلن» به شکل «مستفعلن مستفعلن مستفعلن مستفعلن» است. فب هالا ما از کجا باید معادل عروضی این پایه‌ها مثل مستفعلن، فاعلاتن و ... را بدانیم؟ نگران نباشید! با انواع این معادل‌های عروضی در درس‌های بعد آشنا می‌شویم. فوب است بدانیم در شعر فارسی، بیست رکن رایج و پرستفاده وجود دارد که از ترکیب آن‌ها با هم بیش از سیصد وزن ساخته می‌شود.

دک‌وزن بر اساس پایه‌ها

وزن شعر، در حقیقت، حاصل چینش درست و قاعده‌مند پایه‌های آوایی است. «وزن، توالی چند ضرب‌آهنگ است که برای موزون کردن نوای موسیقی کلام، به کار می‌رود.» چي شد؟ یعنی چی؟! نرس! یعنی همین پایه‌ها که گفتیم، به شکل منظم و متوالی بیایند. اکنون به نمونه‌های زیر و پلگونی شکل‌گیری پایه‌های آوایی و نظم آن‌ها، توجه کنید.

هر که چیزی دوست دارد، جان و دل بروی گمارد هر که محرابش تو باشی، سر ز خلوت برنیارد **«سعی»**

هر	ک	چی	زی	دوس	ت	دا	زد	جا	نُن	دل	بر	وی	گُ	ما	زد
هر	ک	مح	را	بش	تُ	با	شی	سر	ز	خل	وت	بر	نَ	یا	زد

۴ بلبلی برگ گلی، خوش‌رنگ در منقار داشت و اندر آن برگ و نوا، خوش ناله‌های زار داشت «*مافتل*»

بُل	بُ	لِ	بِر	گِ	گِ	لِ	حُش	زَن	گِ	دِر	مِن	قَار	دَاسْت
وُن	دَ	رَان	بَر	گِ	نَ	وَ	حُش	نَا	لِ	هَا	یِ	زَار	دَاسْت

۵ ز کوی یار می‌آید، نسیم باد نوروزی از این باد ار مدد خواهی، چراغ دل برافروزی «*مافتل*»

ز	کُ	یِ	یَا	ر	مِ	آ	یَد	نَ	سِ	مِ	بَا	د	نُ	رُ	زِی
ا	زِیَاز	بَا	دَر	مَ	دَد	خَا	هَی	چَ	رَا	غِ	دَل	بَ	زَف	رُ	زِی

۶ الهی سینه‌ای ده آتشفروز در آن سینه دلی وان دل همه سوز «*وهشی بافتی*»

ا	لَا	هَی	سِی	نِ	اَی	دِه	آ	تَد	شَف	رُوز
د	رَاکِز	سِی	نِ	دِ	لِ	وَ	دَل	هَ	مِ	سُوز

۷ خدایا تو دانی که بر ما چه آمد خدایا تو دانی که ما را چه می‌شد؟ «*مولوی، غزلیات شمس*»

خُ	دَا	یَا	تُ	دَا	نِی	کِ	بِر	مَا	چَ	آ	مَد
خُ	دَا	یَا	تُ	دَا	نِی	کِ	مَا	رَا	چَ	مِی	شَد

۸ بضاعت نی‌اوردم آلا امید خدایا ز عفو مکن ناامید «*سعدی، بوستان*»

ب	ضَا	عَت	ن	یَا	وَر	د	مِل	لَا	اَمِید
خ	دَا	یَا	ز	عَف	وَم	م	کَن	نَا	اَمِید

۹ یار مرا غار عشق جگرخوار مرا یار تویی غار تویی خواجه نگه‌دار مرا «*مولوی*»

یَا	رُ	مِ	رَا	غَا	رُ	مِ	رَا	عِش	قِ	چَ	گَر	خَا	رُ	مِ	رَا
یَا	رُ	تُ	یِی	غَا	رُ	تُ	یِی	خَا	چَ	نِ	گَه	دَا	رُ	مِ	رَا

۱۰ دل می‌رود ز دستم صاحب‌دلان خدا را دردا که راز پنهان خواهد شد آشکار «*مافتل*»

دَل	مِی	رُ	وَد	ز	دَس	تَم	صَا	حَب	دَ	لَاکِز	خُ	دَا	رَا
دَر	دَا	کِ	رَا	ز	پَن	هَاکِز	خَا	هَد	شُ	دَا	شَ	کَا	رَا

در همه مثال‌های بالا می‌بینیم که تعداد پایه‌ها در مصراع و نیز تعداد هجاها در هر پایه، عیناً به همان شکل در مصراع دوم هم آمده است. با خوانش درست ابیات و جداسازی پایه‌ها و خانه‌ها، می‌فهمیم که بعد از هر پایه، درنگی وجود دارد. درنگ‌های پایان هر پایه، مرز پایه‌های آوایی را به ما نشان می‌دهند، یعنی هر کجا مکث کردیم، نشان می‌دهد یک پایه به اتمام رسیده است.

در پی هم قرار گرفتن پایه‌های آوایی و درنگ‌هایی که در پایان هر پایه می‌آید، موسیقی و آهنگ را در خوانش بیت‌ها پدید می‌آورد. چگونگی تفکیک پایه‌ها و خوانش بیت‌ها، نظم دیداری و شنیداری را به ما نشان می‌دهند؛ این نظم سبب درک پایه‌های آوایی و لذت از موسیقی متن، می‌شود.

چند نکته اصلی درس

- ۱ اساس وزن را «نظم» تشکیل می‌دهد. تا نظم نباشد، وزنی هم شکل نمی‌گیرد.
- ۲ با خوانش درست شعر، به درنگ منظم و یک‌نواختی که بعد از هر دسته از هجاها وجود دارد، پی می‌بریم.
- ۳ به هر یک از خانه‌های شعر که برش آوایی ایجاد کرده‌اند، «پایه» یا «رکن» عروضی می‌گویند.
- ۴ وزن شعر، در حقیقت، حاصل چینش درست و قاعده‌مند پایه‌های آوایی است.
- ۵ وزن، توالی چند ضرب‌آهنگ است که برای موزون کردن نوای موسیقی کلام، به کار می‌رود.
- ۶ با خوانش درست ابیات و جداسازی پایه‌ها و خانه‌ها، می‌فهمیم که بعد از هر پایه، درنگی وجود دارد. درنگ‌های پایان هر پایه، مرز پایه‌های آوایی را به ما نشان می‌دهند.
- ۷ چگونگی تفکیک پایه‌ها و خوانش بیت‌ها، نظم دیداری و شنیداری را به ما نشان می‌دهند. این نظم سبب درک پایه‌های آوایی و لذت از موسیقی متن، می‌شود.

خودارزیابی

۱- با خوانش درست ابیات، مرز پایه‌های آوایی آن را مشخص کنید و هر پایه را در خانه خود قرار دهید.

الف) ای خوش منادی‌های تو در باغ شادی‌های تو بر جای نان شادی خورد جانی که شد مهمان تو *«مولوی»*

	در باغِ شا		
		شا دی خُ رَد	

ب) دلم را داغ عشقی بر جبین نه زبانم را بیانی آتشین ده *«دهشی بافقی»*

	ج بین نه		
		ز با نَم را	

پ) اسیرش نخواهد رهایی ز بند شکارش نجوید خلاص از کمند *«سعدی»*

	ز ها یی		
		ن جو ید	

ت) عنکبوتی را به حکمت دام داد صدر عالم را درو آرام داد *«عطار»*

	را ب حک مَت		

ث) بیا تا گل برافشانیم و می در ساغر اندازیم فلک را سقف بشکافیم و طرحی نو دراندازیم *«ماقظ»*

	ب ز ف شا نی		
		م ط ر ح ی نُ	

۲- با خوانش درست بیت‌ها، مرز پایه‌های آوایی آن را مشخص کنید، سپس خانه‌هایی به تعداد آن طزاحی نموده، هر پایه را در خانه خود جای دهید.

الف) یا رب از عرفان مرا پیمانهای سرشار ده چشم بینا جان آگاه و دل بیدار ده *«صائب»*

ب) مکن پیش دیوار غیبت بسی بود کز پسش گوش دارد کسی *«سعدی»*

پ) باران اشکم می‌رود وز ابرم آتش می‌جهد با پختگان گو این سخن، سوزش نباشد خام را *«سعدی»*

ت) هر کسی را سیرتی بنهادهم هر کسی را اصطلاحی داده‌ام *«مولوی»*

ث) مرا گه‌گه به دردی یاد می‌کن که دردت مرهم جان می‌نماید *«فخرالدین عراقی»*

۳- با توجه به آهنگ بیت‌های داده‌شده، با ذوق خود، پایه‌های آوایی مناسب (غیر از واژه‌های بیت) را تولید کنید و آن را در خانه‌های خالی جای دهید. (منظور، پایه‌های آوایی مناسب بیت است، نه واژه‌هایی متناسب با معنای بیت)

الف) من که دارم در گدایی گنج سلطانی به دست کی طمع در گردش گیتی دون‌پرور کنم

من ک دا زَم	در ک دا یی	نی ب دَسْت
کی طَّ مع دَر	ور ک نم

ب) من امشب آمدستم وام بگذارم حسابت را کنار جام بگذارم *«المؤان ثالث»*

م یم شَب آ
.....	کِ نا ر جا	م بُک دا رم

پ) دلبر جانان من برد دل و جان من دلبر جانان من برد دل و جان من *«منسوب به ماقظ»*

دل ب ر جا	نا ن من	جا ن من
.....

۴- پیامدهای حمله مغولان را بر زبان فارسی در قرن هفتم بررسی کنید.

سؤال‌های امتحانی

۱- جاهای خالی را با واژه‌های مناسب کامل کنید.

الف) در خوانش شعر، به هر یک از خانه‌هایی که به گونه‌ای منظم کنار هم چیده شده‌اند، یا رکن عروضی می‌گویند.
ب) حاصل چینش به سامان پایه‌های آوایی در شعر، است.

پ) وزن، است که برای موزون کردن نوای موسیقی کلام، به کار می‌رود.

ت) پایه‌ها مانند آجرهایی هستند که در ساخت شعر، به کار می‌روند.

۲- چگونه موسیقی و آهنگ در خوانش بیت‌ها پدید می‌آید؟

۳- پیامد و نتیجه هر یک از موارد زیر را بنویسید.

الف) چگونگی تفکیک پایه‌ها و خوانش بیت‌ها: ب) نظم دیداری و شنیداری:

۴- جایگاه درنگ در شعرخوانی (خوانش بیت‌ها) کجاست؟ و چه کاربردی دارد؟

۵- شعرهای زیر را درست بخوانید و مرز پایه‌های آوایی آن‌ها را مشخص کنید. هر پایه را در خانه خود قرار دهید.

الف) با آن همه بیداد او وین عهد بی‌بنیاد او	در سینه دارم ییاد او یا بر زبانم می‌رود «سعری»
ب) عمر گویندم که ضایع می‌کنی با خوبرویان	وان که منظوری ندارد عمر ضایع می‌گذارد «هافظ»
پ) ای مسلمانان، فغان زان نرگس جادوفریب	کاو به یک دم بُرد از من، صبر و آرام و شکیب «سعری»
ت) وه که دامن می‌کشد آن سروناز از من هنوز	ریخت خونم را و دارد احتراز از من هنوز «وشی»
ث) مطربا این پرده زن کز رهنان فریاد و داد	خاصه این رهن که ما را این چنین بر باد داد «مولوی»
ج) ز خاک آفریدت خداوند پاک	پس ای بنده افتادگی کن چو خاک «سعری»

۶- با خوانش درست بیت‌ها، مرز پایه‌های آوایی آن‌ها را مشخص کنید. سپس خانه‌هایی به تعداد آن‌ها طراحی کرده، هر پایه را در خانه خود قرار دهید.

الف) عشق جانان همچو شمعم از قدم تا سر بسوخت	مرغ جان را نیز چون پروانه بال و پر بسوخت «عطار»
ب) طریق عشق جانان بی‌بلا نیست	زمانی بی‌بلا بودن روا نیست «عطار»
پ) چون به دریا می‌توانی راه یافت	سوی یک شبنم چرا باید شتافت «عطار»
ت) تن خانه این گوهر والای شریف است	تو مادر این خانه این گوهر والا «ناصرفسرو»

پاسخ خودارزیابی

۱- الف) ای خوش منادی‌های تو در باغ شادی‌های تو بر جای نان شادی خورد جانی که شد مهمان تو

ای خُش مُ نا	دی ها ی ت	دَر با غ شا	دی ها ی ت
بر جا ی نائز	شا دی خُ زد	جا نی کِ شُد	مه ما ن ت

ب) دلم را داغ عشقی بر جبین نه زبانم را بیانی آتشین ده

د ل م را دا	غِ عِش قی بَر	ج بیز نَه
ز با نم را	بَ یا نی آ	ت شیز دِه

پ) اسیرش نخواهد رهایی ز بند شکارش نجوید خلاص از کمند

اَسی رَش	نَ خا هَد	ز ها یی	ز بَند
ش کا رَش	نَ جو یَد	خَ لا صَر	کَ مَند

ت) عنکبوتی را به حکمت دام داد صدر عالم را درو آرام داد

عَن کَ بو تی	را پَ چَک مَت	دام داد
صَد رِ عا لم	را دَ رو آ	رام داد

ث) بیا تا گل برفشانیم و می در ساغر اندازیم / فلک را سقف بشکافیم و طرحی نو دراندازیم

پ	یا	تا	گل	ب	زَف	شا	نی	م	می	دَر	سا	غ	زَن	دا	زیم
ف	لَک	را	سَق	ف	پَش	کا	فی	م	طَر	حی	نو	ذ	زَن	دا	زیم

۲- الف) یارب از عرفان مرا پیمانهای سرشار ده / چشم بینا جان آگاه و دل بیدار ده

یا	ز	بَز	عِر	فائِز	م	را	پی	ما	ن	ای	سر	شا	ر	ده
چش	م	بی	نا	جا	ن	آ	گا	ه	د	ل	بی	دا	ر	ده

ب) مکن پیش دیوار غیب بسی / بود کز پیش گوش دارد کسی

م	گُن	پی	ش	دی	وا	ز	غی	بَت	ب	سی
ب	وَد	کَز	پ	سَش	گو	ش	دا	زَد	ک	سی

پ) باران اشکم می‌رود وز ابرم آتش می‌جهد / با پختگان گو این سخن، سوزش نباشد خام را

با	را	ن	اَش	کم	می	ز	وَد	وَز	اَب	ر	ما	تَش	می	ج	هَد
با	بُخ	ت	گائِز	گو	این	سُ	خَن	سو	زَش	ن	با	شُد	خا	م	را

ت) هرکسی را سیرتی بنهادم / هر کسی را اصطلاحی داده‌ام

هَر	ک	سی	را	سی	ز	تی	بِن	ها	د	ام
هَر	ک	سی	را	اِص	ط	لا	حی	دا	د	ام

ث) مرا گه‌گه به دردی یاد می‌کن / که دردت مرهم جان می‌نماید

م	را	گه	گه	پ	دَر	دی	یا	د	می	کن
ک	دَر	دَت	مَر	ه	م	جان	می	ن	ما	ید

۳- الف) من که دارم در گدایی گنج سلطانی به دست / کی طمع در گردش گیتی دون‌پرور کنم

من	ک	دارم	در	گدایی	جام	زَرّینی	ب	دست
کی	طمع	در	شبنم	گل	شاخساری	می	کنم	

ب) من امشب آمدستم وام بگذارم / حسابت را کنار جام بگذارم

من	امشب	آ	خِر	از	روی	ت	نَسپارم
رفاقت	را	م	بگذارم				

پ) دلبر جانان من برد دل و جان من / برد دل و جان من دلبر جانان من

دلبر	جان	من	بر	دل	و	جان	من
دلبر	جان	من	بر	دل	و	جان	من

۴- دچار سستی و نابسامانی شد / بسیاری از دانشمندان و ادیبان کشته یا متواری شدند و از دربارهای ادب‌دوست و خاندان‌های

فرهنگ‌پرور خبری نبود. عوامل مثبتی که موجب رشد زبان و ادبیات و اعتبار ادیبان و اندیشمندان شد:

(۱) با انتقال قدرت از خراسان به مرکز ایران، زبان و ادبیات فارسی در ناحیه عراق عجم گسترش یافت.

(۲) آثار ارزشمندی پدید آمد.

(۳) زمینه تغییر سبک از خراسانی به عراقی ایجاد شد.

(۴) قالب‌های جدیدی در شعر و نثر پدید آمد.

پاسخ سؤال‌های امتحانی

- ۱- الف) پایه (ب) وزن شعر (پ) توالی چند ضرب آهنگ (ت) بنای
 ۲- با در پی هم قرار گرفتن پایه‌های آوایی و درنگ‌هایی که در پایان هر پایه می‌آید.
 ۳- الف) نظم دیداری و شنیداری را به ما نشان می‌دهند. (ب) سبب درک پایه‌های آوایی و لذت از موسیقی متن می‌شود.
 ۴- با خوانش درست ابیات و جداسازی پایه‌ها و خانه‌ها، بعد از هر پایه، درنگی به وجود می‌آید. درنگ‌های پایان هر پایه، مرز پایه‌های آوایی را به ما نشان می‌دهد.
 ۵- الف) با آن همه بیداد او وین عهد بی‌بنیاد او در سینه دارم یاد او یا بر زبانم می‌رود

با	آن	ه	م	بی	دا	د	او	وین	ع	د	بی	بُن	یا	د	او
در	سی	ن	دا	زَم	یا	د	او	یا	بَر	زُ	با	نَم	می	ر	وُد

(ب) عمر گویندم که ضایع می‌کنی با خوبرویان وان که منظوری ندارد عمر ضایع می‌گذارد

عُم	زُ	گو	یَن	دَم	ک	ضایع	می	ک	نی	با	خو	بُ	رو	یَان
واین	ک	من	ظو	ری	نَ	دا	رَد	عُم	زُ	ضایع	می	گ	ذا	رَد

(پ) ای مسلمانان، فغان زان نرگس جادو فریب کاو به یک دم برد از من، صبر و آرام و شکیب

ای	مُ	سَل	ما	نان	فَ	غا	نَز	نَر	گ	س	جا	دو	ف	ریب
کو	ب	یک	دم	بر	د	از	من	ضَب	زُ	آ	را	مُ	ش	کیب

(ت) وه که دامن می‌کشد آن سروناز از من هنوز ریخت خونم را و دارد احتراز از من هنوز

وَه	ک	دا	من	می	ک	شد	آن	سَر	و	نا	رُز	مَن	هَ	نوز
ریخ	تُ	خو	نم	را	وُ	دا	رد	اِح	ب	را	رُز	مَن	هَ	نوز

(ث) مطربا این پرده‌زن کز ره‌زنان فریاد و داد خاصه این ره‌زن که ما را این چنین بر باد داد

مطرب	ر	با	این	پر	د	زن	کز	زَه	زُ	ناین	فر	یا	دُ	داد
خا	ص	این	زَه	زن	ک	ما	را	این	چ	ناین	بر	با	دُ	داد

(ج) ز خاک آفریدت خداوند پاک پس ای بنده افتادگی کن چو خاک

ز	خا	کا	فَ	ری	دت	خ	دا	ون	د	پاک
پ	سی	بن	د	اف	تا	د	گی	کن	چُ	خاک

۶- الف) عشق جانان همچو شمع از قدم تا سر بسوخت مرغ جان را نیز چون پروانه بال و پر بسوخت

عش	ق	جا	نان	هم	چُ	شم	عَم	از	ق	دم	تا	سَر	ب	سوخت
مرغ	غ	جان	را	نی	ز	چُن	پر	وا	ن	با	لُ	پر	ب	سوخت

(ب) طریق عشق جاننا بی‌بلا نیست زمانی بی‌بلا بودن روا نیست

ط	ری	ق	عش	ق	جا	نا	بی	ب	لا	نیست
ز	ما	نی	بی	ب	لا	بو	دن	ر	وا	نیست

(پ) چون به دریا می‌توانی راه یافت سوی یک شب‌نم چرا باید شتافت

چُن	ب	در	یا	می	ت	وا	نی	را	ه	یافت
سو	ی	یک	شب	نم	چ	را	با	ید	ش	تافت

(ت) تن خانه این گوهر والای شریف است تو مادر این خانه این گوهر والا

تن	خا	ن	ی	این	گو	هَ	ر	وا	لا	ی	ش	ری	فست
تو	ما	د	ر	این	خا	ن	ی	این	گو	هَ	ر	وا	لا

سؤال‌های چهارگزینه‌ای

۱- کدام گزینه از نظر تعداد پایه‌های آوایی با بقیه متفاوت است؟

- (۱) از میکده تا چه شور برخاست کاندر همه شهر شور و غوغاست «عراقی»
 (۲) خدایا چون گل ما را سرشتی وثیقت‌نامه‌ای برمانوشتی «نظامی»
 (۳) باز کن نغمه جان‌سوزی از آن ساز امشب تا کنی عقده اشک از دل من باز امشب «شوریار»
 (۴) الهی سینه‌ای ده آتش‌افروز در آن سینه دلی وان دل همه سوز «وحشی»

۲- پایه‌های آوایی مصراع «بت خود را بشکن خوار و ذلیل» در کدام گزینه به درستی نوشته شده است؟

- (۱) بُت خود را | بش کن خار و | ذّ لیل
 (۲) بُتِ خُد را | ب شِ کن خا | رُ ذ لیل
 (۳) بُتِ خود | را بش | کن خارُ | ذ لیل
 (۴) بُتِ خُد | را بِ شِ | کن خا | رُ ذ لیل

۳- خوانش درست مصراع «از در درآمدی و من از خود به در شدم» در کدام گزینه آمده است؟

- (۱) اَز / دَر / دَر / ا / مَ / دِ / ی / مَ / نَ / زَ / خُ دَ / بَ / دَر / شُ / دَم
 (۲) اَز / دَر / دَر / اَ / مَ / دِ / ی / و / مَ / نَ / اَز / خُ دَ / بَ / دَر / شُ / دَم
 (۳) اَز / دَر / دَر / اَ / مَ / دِ / ی / مَ / نَ / اَز / خُ دَ / بَ / دَر / شُ / دَم
 (۴) اَز / دَر / دَر / ا / مَ / دِ / ی / مَ / نَ / اَز / خُ دَ / بَ / دَر / شُ / دَم

۴- مرز پایه‌های آوایی کدام بیت، به درستی نشان داده نشده است؟

- (۱) روزگار است این که گه عزت دهد گه خوار دارد چرخ بازیگر از این بازیچه‌ها بسیار دارد «قائم مقام فراهانی»

روزگارِ س	تین ک‌گه‌عز	زَت دَهْد گه	خار دارد
چرخ بازی	گ‌ر زین با	زی چ‌ها بس	یار دارد

- (۲) گرچه زبان عذر من لال شد از خجالتش بر کرمّت نوشت‌هام عذر گناه خویش را «نظامی»

گرچه زبا	نِ عُد رِ مَ ن	لال ش دَز	خِ جالِ تَش
بَر کَر مَت	نِ وِش تِ اَم	عُد رِ گُ نَا	ه خویش را

- (۳) چه خوش صید دلم کردی بنام چشم مستت را که کس آهوی وحشی را از این بهتر نمی‌گیرد «هافظ»

چِ خُش صِی د	دلم کردی	بِ نَا زَم	چِش مِ مَس تِ تِ را
کِ کس آهو	یِ وِشِی را	اَز اِین بَهِ تَر	نِ مِی گِی زِد

- (۴) هر که چیزی دوست دارد، جان و دل بروی گمارد هر که محرابش تو باشی، سر ز خلوت برنیارد «سعدی»

هر کِ چی زی	دوست دا رد	جانُ دل بَر	وی گ‌ما زد
هر کِ مح را	بش تُ باشی	سر زِ خِل و ت	بَر نِ یار د

پاسخ سؤال‌های چهارگزینه‌ای

۱- گزینه «۳»

با	ز	کن	نغ	م	ی	جان	سو	زی	ا	زان	سا	زم	شب
تا	ک	نی	عق	د	ی	اش	کز	د	ل	من	با	زم	شب

دارای ۴ پایه آوایی است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه (۱):

از	می	ک	د	تا	چ	شو	ر	بر	خاست
کن	در	ه	م	ش	ر	شو	ز	غو	غاست

(۳ پایه آوایی دارد.)

گزینه (۲):

خ	دا	یا	چُن	گ	ل	ما	را	س	رش	تی
و	ثی	قت	نا	م	ای	بر	ما	ن	وش	تی

(۳ پایه آوایی دارد.)

گزینه (۴):

ا	لا	هی	سی	ن	ای	ده	آ	ت	شَف	روز
د	ران	سی	ن	د	لی	وان	دل	ه	م	سوز

(۳ پایه آوایی دارد.)

۲- گزینه «۲»

۳- گزینه «۱»

۴- گزینه «۳»

از / دَر / دَ / رَا / مَ / دِی / یِ / مَ / نَز / خُد / ب / دَر / شُ / دَم

چ	حُش	صِی	د	د	لم	کر	دی	ب	نا	زم	چش	م	مَس	تت	را
ک	کس	آ	هو	ی	وح	شی	را	ا	زین	به	تر	ن	می	گی	رد



تشبیه

درس دوم

سال قبل با بخشی از آرایه‌ها یعنی «بدیع لفظی» آشنا شدیم. بدیع لفظی چه آرایه‌هایی بود؟ واج‌آرایی، تکرار، جناس و سجع. گفتیم که همه آرایه‌هایی را که ما باید یاد بگیریم، می‌توان دو دسته دانست: بیان و بدیع. بدیع شامل دو دسته می‌شود: بدیع لفظی (یعنی همان‌ها که الان گفتیم) و بدیع معنوی (آرایه‌هایی مثل: ایهام، مراعات نظیر، تضاد و...). آرایه‌های لفظی یعنی آرایه‌هایی که از «شنیدنشان» احساس لذت می‌کنیم و آرایه‌های معنوی یعنی آن‌هایی که از «فهمیدنشان» لذت می‌بریم. فب هالا این وسط آرایه‌های «بیان» چه آرایه‌هایی هستند؟ «تشبیه»، «مجاز»، «استعاره» و «کنایه». این آرایه‌ها را اصطلاحاً «صنوع خیال» می‌نامند. به این معنی که آرایه‌های تصویری هستند. هالا یعنی چی تصویری؟ برویم اولین درس آرایه را ببینیم تا بفهمیم قشیه چیست...

شاعران و نویسندگان، به زبان، نگاه زیباشناسانه دارند. آن‌ها معانی ذهنی خود را با استفاده از آرایش‌های لفظی و معنوی و عناصر علم بیان، به اشکال گوناگون به دیگران منتقل می‌کنند و کلام ساده و عادی را به سخنی ادبی و هنری تبدیل می‌کنند؛ برای مثال هنرمند ادیب، بارش باران و طلوع خورشید را با چنین عباراتی بیان می‌کند:

سخن عادی	سخن ادبی
باران بارید.	ابر آمد و باز بر سر سبزه گریست. مروارید باران از چشم ابر چکید. بهاران که شاپاش ریزد سپهر / به دامن گلشن زرگبارها
خورشید طلوع کرد.	گل خورشید شکفت. پادشاه مشرق چهره نمود. خسرو خاور علم بر کوهساران زد.

از نظر ادبی شیوه‌های گوناگونی برای ایجاد تخیل و بیان یک معنا وجود دارند که مهم‌ترین آن‌ها چهار آرایه تشبیه، مجاز، استعاره و کنایه هستند و آن‌ها را در حوزه علم بیان بررسی می‌کنند.

همان‌طور که گفتیم، آرایه‌ها به دو دسته بیان و بدیع تقسیم می‌شوند. بدیع را که توضیح داریم، می‌رسیم به آرایه‌های بیانی. این آرایه‌ها «تصویر ساز» هستند، یعنی چی؟ یعنی این که شاعر یا نویسنده به وسیله این آرایه‌ها، پلی میان ذهن خود و عالم بیرون می‌زند و میان آن دو ارتباط برقرار می‌کند. به این فرآیند «تخیل» می‌گوئیم و این کار منجر به سافت «تصویر» می‌شود.

ما در حالت عادی نسبت به اشیا و پدیده‌های پیرامونی خودمان شناختی معین و از پیش تعیین شده داریم. تخیل، شناخت ما را تغییر می‌دهد و شناخت جدید درست می‌کند. مثلاً اکثر ما در هوای رنگ‌ها، وقتی با یک رنگ جدید برخورد می‌کنیم و نامی برای آن نداریم، ناخودآگاه به تشبیه روی می‌آوریم؛ مثلاً قرمز گوجه‌ای، آبی آسمانی، پیکان سفید یفپایی (1) و ... یا حتی چیزهای عادی پیش پا افتاده. با تخیل شکل و شمایل جدیدی پیدا می‌کند، مثلاً برای ما این عبارت که «یک نفر از کوزه می‌گذرد»، کاملاً عادی است؛ اما اگر بگوئیم «پاییز از کوزه می‌گذرد»، احساسی تازه و عجیب بهمان دست می‌دهد.

پس تا این‌جا فهمیدیم که تخیل یعنی ایحاد ارتباط بین عالم طبیعت و ذهن. این‌که ما به صورت ذهنی بین پدیده‌های بیرونی و طبیعی تصرف کنیم و نسبت‌های جدیدی به وجود بیاوریم. مثلاً چیزی را به چیز دیگری شبیه بدانیم؛ به پدیده‌ای غیر انسان، شخصیت ببخشیم؛ به پای چیزی، چیز دیگری بیاوریم و ... حاصل فرآیند تخیل کردن، ایحاد تصویر (Image) است؛ یعنی تصرف ذهنی در طبیعت یا همان تخیل کردن باعث به وجود آمدن نسبتی تازه می‌شود که به آن «تصویر» می‌گوییم.

مهم‌ترین تصویرها (یا اصطلاحاً «شور خیال»، یعنی صورت‌ها و شکل‌های خیال)، در چهار آرایه خلاصه می‌شود؛ تشبیه، مجاز، استعاره و کنایه. یعنی حاصل تخیل و تصویر آفرینی شاعر یا نویسنده، یکی از چهار آرایه فوق می‌شود که ما در کتاب امسال می‌فهمیم با آن‌ها آشنا شویم. در ابتدای کار می‌رویم سراغ پرکاربردترین آن‌ها یعنی تشبیه؛ این جمله را با هم می‌خوانیم:

دانا چو طبله عطار است؛ خاموش و هنرنمای. «گلستان سعدی»

در این مثال نویسنده با برابر نهادن دانا و طبله عطار آن دو را به هم مانند کرده و ویژگی‌های خاموشی و هنرنمایی را در آن‌ها مشترک می‌بیند و این شباهت را برای مخاطب محسوس‌تر و زیباتر بیان می‌کند. برقراری رابطه همانندی میان دو چیز را آرایه «تشبیه» می‌نامند که کاربرد آن، سخن را خیال‌انگیز می‌کند.

در ساده‌ترین تعریف، تشبیه یعنی ادعای همانندی و شباهت میان دو چیز. این مفهوم اولیه را همه بلدیم و در دوره ابتدایی خوانده‌ایم. بعد از ابتدایی هم تا الان هم دو سه باری آن را یاد گرفته‌ایم! پس الان دیگر چه چیز جدیدی برای ما دارد؟ تفهیم کنید! به آن هم می‌رسیم.

در بیت زیر هم آرایه تشبیه را مشاهده می‌کنید:

صد هزاران دام و دانه است ای خدا ما چو مرغان حریصی بی‌نوا «مولوی»

هر تشبیه ریشه در نوع نگاه و تفکر گوینده دارد و آن‌چه موجب زیبایی تشبیه می‌شود، وجه شباهتی است که شاعر و نویسنده به آن دست یافته است. قبلی از تشبیه‌ها هستند که به قاطر تکرار زیاد، دیگر هنرآفرینی ندارند و به قولی نخ نما شده‌اند؛ مثلاً تشبیه صورت معشوق به ماه و گل میلیون‌ها بار در ادب فارسی تکرار شده است! یا حتی ممکن است تشبیهی در اثر تکرار قبلی زیاد، دیگر اصلاً کارکرد ادبی خود را از دست بدهد؛ مثلاً ترکیب «لوبیای چشم بلبل» را ببینید. عمر آهیچ کدام از ما هنگام گفتن این اسم، به این فکر نمی‌کنیم که در اصل یک تشبیه وجود دارد! لوبیایی که مثل چشم بلبل است. می‌بینیم که به قاطر زیاد گفتن، این ترکیب کاملاً از حالت ادبی خود خارج شده و دیگر کسی آن را تشبیه به حساب نمی‌آورد. پس در یک تشبیه، اصل در نوع نگاه شاعر یا نویسنده و ارتباطی است که میان مشبه و مشبه‌به پیدا می‌کند. هر چه این ارتباط تازه‌تر و جذاب‌تر باشد، تشبیه زیباتر خواهد شد.

ارکان تشبیه

تشبیه چهار پایه یا رکن دارد:

۱- مشبه

پدیده‌ای است که قصد مانند کردن آن به پدیده‌ای دیگر را داریم؛ مثل «ایام گل» در مصراع «ایام گل چو عمر به رفتن شتاب کرد»

۲- مشبه‌به

پدیده‌ای است که مشبه را به آن مانند می‌کنیم؛ مانند «گل» در مصراع: «تو همچون گل ز خندیدن لب با هم نمی‌آید»

۳- وجه شبه

ویژگی یا صفت مشترک میان مشبه و مشبه‌به است که در مشبه‌به پررنگ‌تر و بیشتر است؛ مثل «کریم» در مصراع زیر: «گرت ز دست برآید چو نخل باش کریم»؛ همیشه وجه شبه در مشبه‌به پررنگ‌تر است. مثلاً اگر بفواهیم بین «دیوار» و «برف»، یکی را به آن یکی تشبیه کنیم، مشبه‌به کدام است؟ مسلماً برف است، چون وجه شبه یعنی سفیدی در آن برهسته‌تر است؛ به همین قاطر، مشبه‌به را «مهم‌ترین رکن تشبیه» می‌دانند.

۴- ادات تشبیه

واژه‌ای است که آن را برای بیان شباهت میان دو پدیده به کار می‌بریم، مثل واژه‌های: چو، مثل، مانند، گویی، همچون، به‌سان، به کردار و ... برای مثال «چون» و «و» در این بیت ادات تشبیه‌اند: «این زبان چون سنگ و هم آهن‌وش است / و آن چه بجهد از زبان چون آتش است. چهار رکن تشبیه را در مثال‌های زیر مشخص کنید.

«فریدون تولی»

● بلم آرام چون قویی سبک‌بار / به نرمی بر سر کارون همی‌رفت

(مشبه: بلم / نوعی قایق) / مشبه‌به: قو / وجه شبه: به آرامی حرکت کردن روی آب / ادات تشبیه: چون)

«فروغ فرخزاد»

● شب در تمام پنجره‌های پریده‌رنگ / مانند یک تصور مشکوک / پیوسته در تراکم و طغیان بود.

(مشبه: شب / مشبه‌به: یک تصور مشکوک / وجه شبه: در تراکم و طغیان بودن / ادات تشبیه: مانند)

«سوراب سپهری»

● و او به شیوه باران پر از طراوت تکرار بود.

(مشبه: او / مشبه‌به: باران / وجه شبه: پر از طراوت تکرار بودن / ادات تشبیه: به شیوه)

انواع تشبیه از نظر پایه‌ها (ارکان)

تشبیه را بر پایهٔ این چهار رکن می‌توان به دو دسته بخش کرد: گسترده و فشرده.

الف- تشبیه گسترده

از میان رکن‌های تشبیه، ذکر مشبّه و مشبّه‌به ضروری است؛ اما وجه‌شبهه و ادات تشبیه را می‌توان حذف کرد. با این حساب سه حالت تشبیه می‌توانیم داشته باشیم: چهاررکنی، سه‌رکنی (یعنی یا ادات تشبیه حذف شود و یا وجه‌شبهه) و دورکنی. به تشبیه‌ای که چهار رکن یا سه رکن را در خود داشته باشد، تشبیه گسترده می‌گویند؛ به تشبیه چهاررکنی، تشبیه صریح هم می‌گویند؛ زیرا همهٔ چیز در آن معلوم و آشکار است. حالا به نظر تان هر چه تعداد ارکان تشبیه کم‌تر باشد بهتر است یا بیشتر؟ برای تنبیل‌ها، بیشتر بهتر است! چون دیگر نیازی به فکر کردن و کشف رابطهٔ مشبّه و مشبّه‌به ندارند؛ اما در اصل هر چه تعداد ارکان تشبیه کم‌تر باشد، ادبی‌تر است؛ یعنی تشبیه دورکنی، زیباتر از تشبیه سه‌رکنی و چهاررکنی است. نمونه‌های زیر از این نوع گسترده‌اند:

زندگی آتشگاهی دیرنده پابرجاست / گر بفروریزش رقص شعله‌اش در هر کران پیداست / ورنه خاموش است و خاموشی گناه ماست «سیاوش کسرائی»
در این شعر، سه رکن تشبیه وجود دارد و ادات حذف شده است.

مشبّه: زندگی / مشبّه‌به: آتشگاهی دیرنده / وجه‌شبهه: شعله‌ور بودن و روشنائی

«منوچهر آتش»

نامت در چشمانم / چون لاله، سرخ / چون نسترن، سپید / و مثل سرو سبز می‌ایستد.

در تشبیه‌های بالا چهار رکن تشبیه وجود دارند. مشبّه، نامت / مشبّه‌به‌ها، لاله، نسترن، سرو / ادات تشبیه، چون و مثل / وجه‌شبهه‌ها، سرخ، سپید و سبز

مثال: تشبیه گسترده:

- گرت ز دست برآید، چو نفل باش کریم / ورت به دست نیاید، چو سرو باش آزاد

تشبیه مصرع اول: مشبّه، تو / مشبّه‌به: نفل / وجه‌شبهه: کریم / ادات، چو

تشبیه مصرع دوم: مشبّه، تو / مشبّه‌به: سرو / وجه‌شبهه: آزاد / ادات، چو

- هم‌چو پنگم سر تسلیم و ارادت در پیش / تو به هر ضرب که فواهی بزن و بنوازم

مشبّه (من) / مشبّه‌به: پنگ / وجه‌شبهه: سر تسلیم در پیش داشتن / ادات: هم‌چو

ب- تشبیه فشرده

تشبیه‌ای که فقط دو رکن اصلی یعنی مشبّه و مشبّه‌به را دارد، تشبیه فشرده است. برای مثال در عبارت:

ای مهتر، آفتاب چراغ آسمان است و تو چراغ زمینی، آفتاب چراغ دیاست، تو چراغ دین.

مشبّه (۱): آفتاب / مشبّه‌به (۱): چراغ آسمان

مشبّه (۲): تو / مشبّه‌به (۲): چراغ زمین / مشبّه (۳): آفتاب / مشبّه‌به (۳): چراغ دنیا / مشبّه (۴): تو / مشبّه‌به (۴): چراغ دین

حذف وجه‌شبهه و ادات تشبیه، تشبیه را خلاصه‌تر کرده است. به این نوع تشبیه، تشبیه رسا (بلیغ) می‌گویند. این تشبیه کلام را ادبی‌تر و زیباتر می‌کند. گفتیم که در تشبیه، آوردن ادات و وجه‌شبهه اختیاری است؛ بنابراین اگر این دو نیابند، تشبیه، دورکنی می‌شود و آن را تشبیه رسا یا در اصل «بلیغ» می‌نامیم. تشبیه فشرده باعث لذت بیشتر می‌شود؛ زیرا در آن وجه‌شبهه ذکر نشده و ناچار ذهن انسان باید تلاش بیشتری برای پیدا کردن رابطهٔ مشبّه و مشبّه‌به کند. (اصلاً بلیغ یعنی چه؟ یعنی، رسا و شیوا. به خاطر همین لذت بیشتر، نام این نوع از تشبیه را بلیغ گذاشته‌اند) تشبیه بلیغ رساترین، زیباترین و مؤثرترین نوع تشبیه است. این نکته را هم باید اضافه کرد که حذف ادات تشبیه، ادعای اتّفا و هم‌سانی طرفین را بیشتر می‌کند.

ممکن است گاهی مشبّه‌به قرینهٔ لفظی حذف شده باشد، مانند: علی مانند کوه استوار و مانند دریا بفشند است. (در واقع، علی مانند دریا بفشند است) همان‌طور که می‌بینید، مشبّه وجود دارد، یعنی تشبیه همیشه دو رکن مشبّه و مشبّه‌به را تماماً دارد و اگر یکی از این دو حذف شود، دیگر تشبیه وجود ندارد.

انواع تشبیه فشرده

تشبیه فشرده گاه به صورت ترکیب اضافی و گاه به صورت غیر ترکیبی می‌آید. تشبیه‌های غیر ترکیبی، معمولاً به صورت جملهٔ اسنادی هستند.

۱. **ترکیب اضافی:** مشبّه و مشبّه‌به به صورت یک ترکیب اضافی یعنی مضاف + مضاف‌الیه آمده است. در این حالت ترتیب قرارگیری مشبّه و مشبّه‌به مهم نیست، یعنی هم می‌تواند به صورت، «مشبّه + مشبّه‌به» بیاید (مانند لب لعل، یا زلف کهنه) و هم به صورت: «مشبّه‌به + مشبّه» (مانند دریای هشم، مس وجود)، البته در اکثر موارد، کلمهٔ اول مشبّه‌به و کلمهٔ دوم مشبّه است.

نکته: به این نوع از تشبیه، «اضافهٔ تشبیه‌ای» هم می‌گویند.

۲. **غیر ترکیبی:** اگر مشبّه و مشبّه‌به به صورت یک جمله آمده باشد، تشبیه فشردهٔ غیر ترکیبی داریم، مثلاً: صورت تو ماه است. تو لالهٔ بهاری.

مثال: کیمیای سعادت (ترکیب اضافی) / سعادت کیمیا است. (غیر ترکیبی)

مثال

دست از مس وجود چو مردان ره بشوی تا کیمیای عشق بیابی و زر شوی «**هافظ**»
وجود به مس و عشق به کیمیا در ترکیب‌هایی اضافی مانند شده‌اند.

نمونه دیگر

آتش خشم اول در خداوند خشم افتد؛ پس آن‌گه زبانه به خصم رسد یا نرسد. «**گلستان سعدی**» (تشبیه فشم به آتش)
گویند روی سرخ تو سعدی که زرد کرد؟ / اکسیر عشق بر مسم افتاد و زر شدم «**سعدی**» (تشبیه عشق به اکسیر)
نگارش دهد گلبن جویبار / در آینه آب رخسارها «**علامه طباطبائی**» (تشبیه آب به آینه)
او را خود التفات نبودی به صید من / من خویشتن اسیر کمند نظر شدم «**سعدی**» (تشبیه نظر به کمند)

مثال‌های دیگر

– **فراش باد صبا را گفته تا فرش زمردین بگسترده و دایه ابر بهاری را فرموده تا بنات نبات در مود زمین پیرورد.** (همه موارد مشفق شده، تشبیه فشرده به صورت ترکیب اضافی هستند. لازم به ذکر است، در دل ترکیب «فرش زمردین» تشبیه فشرده وجود دارد، (فرش ← زمرد) – **قطره تویی، بهر تویی، لطف تویی، قهر تویی / قند تویی، زهر تویی، پیش میازار مرا** (موارد مشفق شده، تشبیه فشرده غیر ترکیبی هستند)

چکیده نکات اصلی درس

- ۱ شاعران و نویسندگان به زبان نگاه زیباشناسانه دارند.
- ۲ از نظر ادبی شیوه‌های گوناگونی برای ایجاد تخیل و بیان یک معنا وجود دارند که مهم‌ترین آن‌ها چهار آرایه «تشبیه، مجاز، استعاره و کنایه» هستند و آن‌ها را در حوزه علم «بیان» بررسی می‌کنند.
- ۳ برقراری رابطه همانندی میان دو چیز را آرایه تشبیه می‌نامند. کاربرد آن، سخن را خیال‌انگیز می‌کند.
- ۴ در هر تشبیه، چهار رکن وجود دارد: ۱- مشبّه ۲- مشبّه‌به ۳- وجه‌شبهه ۴- آدات تشبیه. مشبّه چیزی است که آن را به چیزی تشبیه می‌کنیم. مشبّه‌به، طرف دوم است که مشبّه، به آن تشبیه می‌شود. وجه‌شبهه ویژگی مشترک میان مشبّه و مشبّه‌به است. آدات (وسیله) تشبیه نیز کلمه‌ای است که پیوند میان مشبّه و مشبّه‌به را برقرار می‌سازد.
- ۵ وجه‌شبهه در مشبّه‌به پررنگ‌تر از مشبّه است.
- ۶ از میان رکن‌های تشبیه، ذکر مشبّه و مشبّه‌به ضروری است؛ اما وجه‌شبهه و آدات تشبیه را می‌توان حذف کرد.
- ۷ تشبیه را بر حسب تعداد ارکان می‌توان به دو دسته بخش کرد: گسترده و فشرده.
- ۸ به تشبیهی که چهار رکن یا سه رکن را در خود داشته باشد، تشبیه گسترده می‌گویند.
- ۹ تشبیهی که فقط دو رکن اصلی یعنی مشبّه و مشبّه‌به را دارد، تشبیه فشرده است. به این نوع تشبیه، تشبیه رسا (بلیغ) نیز می‌گویند. این تشبیه کلام را ادبی‌تر و زیباتر می‌کند.
- ۱۰ تشبیه فشرده گاه به صورت ترکیب اضافی (مضاف + مضاف‌الیه) و گاه به صورت غیر ترکیبی (جمله) می‌آید.

خودارزیابی

- ۱- در ابیات زیر تشبیه‌های فشرده و گسترده را بیابید و پایه‌های آن‌ها را مشخص نمایید:
- | | |
|--|---|
| الف) اگر چو مرغ بنالم، تو همچو سرو ببالی | و گر چو ابر بگیریم، تو همچو غنچه بخندی « فواپوی کرمانی » |
| ب) پیش کمان ابرویش لابه همی‌کنم؛ ولی | گوش کشیده است؛ از آن گوش به من نمی‌کند « هافظ » |
| پ) دل گرفتار بلای عشق توست | جان شهید کربلای عشق توست « وقایی » |
- ۲- وجه‌شبهه را در شعر زیر مشخص کنید:
- الف) صدا چون بوی گل در جنبش آب
- ب) نفس کز گرمگاه سینه می‌آید برون، ابری شود تاریک
- چو دیوار ایستد در پیش چشمانت،
- نفس کاین است، پس دیگر چه داری چشم
- ز چشم دوستان دور یا نزدیک؟

«موسوی الهوان ثالث»

۳- دو پایه اصلی تشبیه را در شعر زیر مشخص کنید:
 الف) پشت هیچستان چتر خواهش باز است،
 تا نسیم عطشی در بن برگی بدود،
 زنگ باران به صدا می آید.

«سهراب سپهری»

«هوشنگ ابتهاج»

آینه ضمیر من جز تو نمی دهد نشان

دلیم غرق تمنای عبور است

«سلمان هراتی»

دلیم مثل صنوبرها صبور است

«علی موسوی گرهارودی»

فرونشسته در آن ناوک صنوبر و غان

«کمال الدین اسماعیل»

اجرام کوههاست تنها در میان برف

ب) هر چه به گرد خویشتن می نگرم در این چمن
 ۴- نوع تشبیه را در ابیات زیر مشخص کنید.

الف) اگر ای عشق پایان تو دور است
 برای قدکشیدن در هوایت

ب) زمین چو سینۀ سهراب زیر جوشن برگ
 پ) مانند پنبه دانه که در پنبه تعبیه است

۵- در شعر زیر مشبّه و مشبّه به را مشخص کنید.

پاسی از شب رفته بود و برف می بارید،

چون پرافشان پری های هزار افسانه ای از یاد رفته

۶- در تشبیه های به کار رفته در بیت های زیر، کدام پایه های تشبیه وجود دارند؟

«مهدی افغان ثالث»

وصال و هجر یکسان می نماید

«فخرالدین عراقی»

«سعری»

اول بلا به مرغ بلند آشیان رسد

«شیخ بهایی»

پیش از آن که این خانه رو نهد به ویرانی

«مشفق کاشانی»

که بر کویر عطشناک نیستم چون ابر

الف) مرا کز جام عشقت مست گشتم

ب) گاهی که سنگ حادثه از آسمان رسد

پ) خانه دل ما را از گرم عمارت کن

ت) حریر باورم از شعلۀ ندامت سوخت

۷- در هر یک از نمونه های زیر ادات تشبیه را مشخص کنید:

«فخرالدین اسعد گرگانی»

به چه مانند؟ به سرو بوستانی

الف) مرا در دل درخت مهربانی
 ب) آورده اند که در ناحیت کشمیر متصدیدی خوش و مرغزاری نزه بود که از عکس ریاحین او پر زاغ چون دم طاووس نمودی و در پیش جمال او دم طاووس به پر زاغ مانستی.

«کلیله و دمنه»

«کمال الدین اصفهانی»

گویی که لقمه ای است زمین در دهان برف

پ) هرگز کسی نداد بدین سان نشان برف

۸- اشعار ذکر شده در خودارزیابی درس (۳) که مربوط به شاعران قرن های ۷ و ۸ و ۹ است، بیابید و بگویید کدام نوع تشبیه در آن ها بیشتر است؟

۹- در بیت زیر، پایه های آوایی را مشخص کنید؛ سپس خانه هایی به تعداد آن ها طراحی کنید و هر پایه را در خانه خود قرار دهید.

«فردوسی»

جهان چون شب و تیغها چون چراغ

چو دریای خون شد همه دشت و راغ

سؤال های امتحانی

درست نادرست

۱- درستی یا نادرستی جمله های زیر را مشخص کنید.

الف) در شعر: «نامت در چشمانم / چون لاله، سرخ / چون نسترن، سپید / و مثل سرو سبز می ایستد.» سه مشبّه به وجود دارد.

ب) در جمله «دانا چو طبلۀ عطار است، خاموش و هنرنمای» وجه شبه حذف شده است.
 پ) نوع تشبیه در عبارت زیر غیر ترکیبی است.

«آتش خشم، اول در خداوند خشم افتد، پس آن که زبانه به خصم رسد یا نرسد.»

ت) در بیت «که لیلی گرچه در چشم تو حوری است / به هر جزئی ز حسن او قصوری است» تشبیه فشرده از نوع غیر ترکیبی وجود دارد.

۲- جاهای خالی را با کلمات مناسب کامل کنید.

الف) بررسی آرایه‌های تشبیه، استعاره، مجاز و کنایه در حوزه علم صورت می‌گیرد.

ب) ارکان تشبیه عبارتند از: مشبّه، ادات تشبیه و شبه.

پ) برقراری رابطه همانندی میان دو چیز را آرایه می‌نامند.

ت) در سروده «و او به شیوه باران پر از طراوت تکرار بود.» مشبّه‌به است.

ث) به تشبیهی که فقط دو رکن (مشبّه و مشبّه‌به) را دارد، تشبیه می‌گویند.

۳- در نمونه‌های زیر، پایه‌های تشبیه را مشخص کنید.

الف) لب‌ت تا در لطافت لاله سیراب را ماند

ب) این دهر دهنده به یکی مرکب ماند

پ) دانی چه کن؟ ز ناخوش و خوش کم کن آرزو

ت) اگر چو سرو تهی دست می‌روی بر او

ث) قهوه‌خانه گرم و روشن بود، همچون شرم / گرچه بیرون تیره بود و سرد، همچون ترس

۴- در تشبیهات زیر، «مشبّه‌به» را مشخص کنید.

الف) چراغ دانش: (ب) بار غم:

پ) سیل اشک: (ت) کشتی امید:

۵- رکن «مشبّه» را در تشبیهات زیر مشخص کنید.

الف) گل امید: (ب) سیب زنخدان:

پ) خدنگ غمزه: (ت) سلطان خیال:

۶- برای هر یک از «مشبّه‌ها» در «گروه الف» یک «مشبّه‌به» مناسب از «گروه ب» انتخاب کنید.

گروه الف (مشبّه)	گروه ب (مشبّه‌به)
الف) رحمت	۱) گل
ب) جوانی	۲) آینه
پ) اشک	۳) دوست
ت) قلب	۴) بهار
ث) چهره	۵) نسیم
ج) کتاب	۶) شبنم
چ) حسود	۷) بیمار

۷- با هر یک از مشبّه‌های زیر، یک تشبیه بسازید.

الف) دریا: (ب) گوهر:

۸- در بیت‌های زیر، هر یک از کلمات مشخص شده، کدام رکن (پایه) تشبیه است؟

الف) در دفتر زمانه فتد نامش از قلم

ب) این عمر به ابر نوبهاران ماند

پ) به سان پلنگی که بر پشت گور

ت) جویبارهای کوچک و بزرگ صفوف مجاهدان.

۹- در بیت‌های زیر، تشبیه‌های فشرده را مشخص کنید.

الف) فزاش باد صبا را گفته تا فرش زمردین بگسترده.

ب) تو کرده جوشن غفلت هزار تو در بر

پ) دین و دل به یک دیدن باختیم و خرسندیم

چگونه تیر سخن کارگر تواند بود

در قمار عشق ای دل کی بود پشیمانی؟

- ۱۰- در شعرهای زیر، وجه شبه را پیدا کنید.
- (الف) کوه صبرم نرم شد چون موم در دست غمت
(ب) گفتا برو چو خاک تحمل کن ای فقیه
(پ) مرا ستاره صبحی که هر چه کوشیدم
- ۱۱- در تشبیه‌های به کار رفته در بیت‌های زیر، مشبّه و مشبّه‌به را مشخص کنید.
- (الف) طبع من، طومار ندامت است.
(ب) عشق من بر گل رخسار تو امروزی نیست.
- (پ) خاتم ملک سلیمان است علم جمله عالم صورت و جان است علم
- ۱۲- در تشبیه‌های به کار رفته، کدام پایه تشبیه حذف شده است؟
- (الف) ای دل ار سیل فنا بنیاد هستی برکند
(ب) شمعم که همه نهران فرو می‌گیریم
(پ) شبی خوش همچو روز شادمانی
- ۱۳- در ابیات زیر تشبیه‌های فشرده را پیدا کنید و آن‌ها را به تشبیه گسترده تبدیل کنید.
- (الف) غبار خط بیوشانید خورشید زخس، یا رب!
(ب) شب ظلمت و بیابان به کجا توان رسیدن
(پ) سر ما فرو نیاید به کمان ابروی کس
(ت) یار من باش که زیب فلک و زینت دهر
(ث) گر باد فتنه هر دو جهان را به هم زند
- ۱۴- در بیت‌های زیر هر یک از تشبیهات گسترده را به تشبیه فشرده تبدیل کنید.
- (الف) صبا ز حال دل تنگ ما، چه شرح دهد
(ب) صاف است همچو آینه دل‌های اهل عشق
- ۱۵- پایه‌های تشبیه را در بیت زیر نشان دهید.
دوشم شبی گذشت، چه گویم چه‌گونه بود
- ۱۶- نوع تشبیه‌های به کار رفته را در عبارت زیر نشان دهید.
تو آن بلندترین هرمی که فرعون تخیل تواند ساخت.

پاسخ خودارزیابی

۱- الف) «تشبیه گسترده»:

۱) م (من): مشبّه - چو: ادات تشبیه - مرغ: مشبّه‌به - نالیدن: وجه شبه

۲) تو: مشبّه - همچو: ادات تشبیه - سرو: مشبّه‌به - بالیدن: وجه شبه

۳) م (من): مشبّه - چو: ادات - ابر: مشبّه‌به - گریستن: وجه شبه

۴) تو: مشبّه - همچو: ادات تشبیه - غنچه: مشبّه‌به - خندیدن: وجه شبه

(ب) «تشبیه فشرده»: کمان ابرو: ابرو: مشبّه - کمان: مشبّه‌به

(پ) «تشبیه فشرده»: بلای عشق، کربلای عشق: عشق: مشبّه - بلا و کربلا: مشبّه‌به

۲- الف) پخش شدن (وجه شبه)

(ب) دو تشبیه دارد. ۱) نفس به ابر تشبیه شده که «تاریکی» وجه شبه است. ۲) نفس به دیوار تشبیه شده که «ایستادن» وجه شبه است.

- ۳- الف) چتر خواهش ← خواهش: مشبه
 نسیم عطش ← عطش: مشبه
 زنگ باران ← باران: مشبه
 ب) آینه ضمیر ← ضمیر: مشبه
 چتر: مشبه

۴- الف) در بیت دوم یک تشبیه گسترده وجود دارد. (دل: مشبه - مثل: ادات تشبیه - صنوبر: مشبه - صبوری: وجه شبهه)
 ب) جوشن برگ ← برگ: مشبه جوشن: مشبه (تشبیه فشرده)

در بیت «ب» یک تشبیه گسترده هم وجود دارد. (زمین: مشبه - چو: ادات تشبیه - سینۀ سهراب: مشبه - فرونشستن: وجه شبهه)
 پ) اجرام کوه‌ها: مشبه - مانند: ادات تشبیه - پنبه‌دانه: مشبه (تشبیه گسترده) - پنهان بودن: وجه شبهه

۵- بارش برف: مشبه - پرافشان پری‌های هزارافسانه‌ای از یاد رفته: مشبه

۶- الف) جام عشق: تشبیه فشرده است و فقط مشبه (عشق) و مشبه (جام) وجود دارند.

ب) سنگ حادثه: تشبیه فشرده است و فقط حادثه (مشبه) و سنگ (مشبه) وجود دارند.

پ) خانۀ دل: تشبیه فشرده است و فقط دل (مشبه) و خانۀ (مشبه) وجود دارند.

ت) حریر باور: تشبیه فشرده است و فقط باور (مشبه)، حریر (مشبه) وجود دارند.

ث) شعلۀ ندامت: تشبیه فشرده است و فقط ندامت (مشبه) و شعلۀ (مشبه) وجود دارند.

م: در مصراع دوم این بیت، یک تشبیه گسترده وجود دارد:

(من) چون ابر نیستم. مشبه (من)، مشبه (ابر) و ادات تشبیه (چون) ذکر شده است.

۷- الف) ادات تشبیه: فعل «ماند»

ب) ادات تشبیه: چون و فعل «مانستی»

پ) ادات تشبیه: گویی

۸- شاعرانی که شعرشان در این خودارزیابی ذکر شده، عبارت‌اند از: (قرن ۷ و ۸ و ۹)

کمال‌الدین اسماعیل اصفهانی ← تشبیه گسترده

هرگز کسی نداد بدین‌سان نشان برف گویی که لقمه‌ای است زمین در دهان برف

مانند پنبه‌دانه که در پنبه تعبیه است اجرام کوه‌هاست نهان در میان برف

فخرالدین عراقی ← تشبیه فشرده

مرا کز جام عشقت مست گشتم وصال و هجر یکسان می‌نماید

حافظ ← تشبیه فشرده

پیش کمان ابرویش لابه همی‌کنم ولی گوش کشیده است، از آن گوش به من نمی‌کند

سعدی ← تشبیه فشرده

گاهی که سنگ حادثه از آسمان رسد اول بلا به مرغ بلندآشیان رسد

خواجوی کرمانی ← تشبیه گسترده

و گر چو ابر بگیریم، تو همچو غنچه بخندی اگر چو مرغ بنالم، تو همچو سرو ببالی

۹- در بیت:

چو دریای خون شد همه دشت و راغ جهان چون شب و تیغ‌ها چون چراغ «فردوسی»

چ	در	یا	ی	خون	شد	هَ	م	دش	ت	راغ
ج	هان	چن	ش	ب	تیغ	ها	چن	چ	راغ	

پایه‌های آوایی

پاسخ سؤال‌های امتحانی

- ۱- الف) درست. لاله - نسترن - سرو مشبّه‌به‌های «نام» (مشبّه) اند.
 ب) نادرست. وجه‌شبه «خاموش و هنرنا بودن» است.
 پ) نادرست. آتش خشم (خشم به آتش تشبیه شده) و ترکیب اضافی است.
 ت) درست. لیلی به حوری تشبیه شده است.
- ۲- الف) بیان (ب) مشبّه‌به - وجه‌شبه (پ) تشبیه
 ت) باران (ث) فشرده
- ۳- الف) مصراع اول: لب: مشبّه - لاله سیراب: مشبّه‌به - لطافت: وجه‌شبه - ماند: ادات تشبیه
 مصراع دوم: دلم: مشبّه - چشمه سیماب: مشبّه‌به - بی‌قراری: وجه‌شبه - ماند: ادات تشبیه
 چشمه سیماب: تشبیه فشرده است که فقط دو رکن مشبّه و مشبّه‌به را دارد. - سیماب: مشبّه - چشمه: مشبّه‌به
 ب) دهر: مشبّه - مرکب: مشبّه‌به - به سرعت رفتن و تاختن: وجه‌شبه - ماند: ادات تشبیه
 پ) مشبّه: (تو = محذوف) - سیمرغ: مشبّه‌به - وش: ادات تشبیه - گم کردن آشیان ز کس و ناکس: وجه‌شبه
 ت) مشبّه: (ی = تو: محذوف) - سرو: مشبّه‌به - چو: ادات تشبیه - تهی دست بودن: وجه‌شبه
 ث) مصراع اول: قهوه‌خانه: مشبّه - شرم: مشبّه‌به - همچون: ادات تشبیه - گرم و روشن: وجه‌شبه
 مصراع دوم: بیرون: مشبّه - ترس: مشبّه‌به - همچون: ادات تشبیه - تیره و سرد: وجه‌شبه
- ۴- الف) چراغ (ب) بار (پ) سیل (ت) کشتی
 ۵- الف) امید (ب) زنخدان (پ) غمزه (ت) خیال
- ۶- الف) رحمت (۵) نسیم (ب) جوانی (۴) بهار
 پ) اشک (۶) شبنم (ت) قلب (۲) آینه
 ث) چهره (۱) گل (ج) کتاب (۳) دوست
- ۷- الف) دریا: دل او مانند دریا بزرگ است.
 ب) گوهر: تعلیم و آموزش مثل گوهر است.
- ۸- الف) زمانه: مشبّه / ب) ابر نوبهاران: مشبّه‌به - ماند: ادات تشبیه / پ) به‌سان: ادات تشبیه - شور برانگیختن از گور: وجه‌شبه /
 ت) جویبارهای کوچک و بزرگ: مشبّه‌به - صفوف مجاهدان: مشبّه
- ۹- الف) فراش باد صبا (باد صبا: مشبّه - فراش: مشبّه‌به) / در دل ترکیب فرش زمردین، تشبیه فشرده وجود دارد. (فرش ← زمرد)
 ب) جوشن غفلت (غفلت: مشبّه - جوشن: مشبّه‌به) / تیر سخن (سخن: مشبّه - تیر: مشبّه‌به)
 پ) قمار عشق (عشق: مشبّه - قمار: مشبّه‌به)
- ۱۰- الف) مصراع اول: نرم‌شدن (صبر به کوه تشبیه شده) / مصراع دوم: گدازان بودن («م» شاعر به شمع و عشق به آتش تشبیه شده)
 ب) تحمل کردن (فقیه به خاک تشبیه شده)
 پ) ناپدیدشدن از نظر (مادر به ستاره صبح تشبیه شده)
- ۱۱- الف) طبع: مشبّه - طومار ندامت: مشبّه‌به - طومار ندامت: تشبیه فشرده است. - ندامت: مشبّه - طومار: مشبّه‌به
 ب) رخسار: مشبّه - گل: مشبّه‌به
 پ) مصراع اول: علم: مشبّه - خاتم ملک سلیمان: مشبّه‌به
 مصراع دوم: جمله عالم: مشبّه - صورت: مشبّه‌به - علم: مشبّه - جان: مشبّه‌به
- ۱۲- الف) سیل فنا: تشبیه از نوع ترکیب اضافی است. (وجه‌شبه و ادات تشبیه حذف شده است).
 ب) م: مشبّه - شمع: مشبّه‌به - پنهان گریستن: وجه‌شبه - ادات تشبیه حذف شده است.
 پ) مصراع اول: شب: مشبّه - همچو: ادات تشبیه - روز شادمانی: مشبّه‌به - خوش: وجه‌شبه (هیچ‌یک از ارکان حذف نشده است).
 مصراع دوم: بهار: مشبّه - همچو: ادات تشبیه - ایام جوانی: مشبّه‌به - زیبایی و شادمانی: وجه‌شبه حذف شده است.

۱۳- الف) غبار خط، خورشید رخ ← تشبیه فشرده

تشبیهات گسترده	پوشاند. وجه شبه	رخ معشوق	غبار	مانند	خط
			مشبهه	ادوات	مشبه
		زیبا و درخشان است.	خورشید	همچون	رخ (معشوق)
		وجه شبه	مشبهه	ادوات تشبیه	مشبه

ب) شب ظلمت، شمع رویت ← تشبیه فشرده

تشبیهات گسترده	تیره و تار است. وجه شبه	شب	به سان	ظلمت
		مشبهه	ادوات تشبیه	مشبه
	است.	شمع	در درخشش	روی تو (معشوق)
		مشبهه	ادوات تشبیه	مشبه

پ) کمان ابرو ← تشبیه فشرده

تشبیه گسترده	قوس و انحنای دارد.	کمان	مانند	ابروی (یار)
		وجه شبه	ادوات تشبیه	مشبه

ت) مه روی تو ← تشبیه فشرده

تشبیه گسترده	است.	ماه	در زیبایی	روی تو (یار)
		مشبهه	ادوات تشبیه	مشبه

ث) باد فتنه، چراغ چشم ← تشبیه فشرده

تشبیهات گسترده	است.	باد	در ویرانگری و برهم زدن نظم	فتنه
		مشبهه	ادوات تشبیه	مشبه
	است.	چراغ	در درخشش و رهنمونی	چشم
		مشبهه	ادوات تشبیه	مشبه

۱۴- الف) دل تنگ ما به شکنج ورق‌های غنچه در تو در تو بودن تشبیه شده است. (تشبیه گسترده) / غنچه دل ← تشبیه فشرده

اگر ادات تشبیه و وجه شبه را از پایه‌های تشبیه حذف کنیم و فقط مشبه و مشبه‌به باقی بماند، تشبیه فشرده خواهیم داشت.

ب) دل‌های اهل عشق در صافی به آینه و خوبی و زشتی در روشنی به آب تشبیه شده‌اند که اگر ادات تشبیه و وجه شبه را در هر یک از آن‌ها حذف کنیم، تشبیهات فشرده به شکل زیر خواهیم داشت:

«آینه دل - آب خوبی و زشتی»

۱۵- شب: مشبه	همچون: ادات تشبیه	نیاز: مشبه‌به	تیرگی: وجه شبه
شب: مشبه	همچون: ادات تشبیه	أمل: مشبه‌به	طویل بودن: وجه شبه

۱۶- در عبارت دو تشبیه به کار رفته است:

۱) تشبیه گسترده:	تو: مشبه	هرم: مشبه‌به	بلند بودن: وجه شبه
۲) تشبیه فشرده:	فرعون تخیل	(تخیل: مشبه و فرعون: مشبه‌به)	

سؤال‌های چهارگزینه‌ای

- ۱- آن چه موجب زیبایی تشبیه می‌شود است که نویسنده به آن دست یافته است.
 (۱) مشبّه (۲) وجه‌شبهه (۳) مشبّه‌به (۴) ادات تشبیه
- ۲- درباره بیت «نگارش دهد گلبن جویبار / در آیینۀ آب رخسارها» کدام گزینه درست نیست؟
 (۱) یک تشبیه فشرده دارد.
 (۲) آیینۀ «مشبّه‌به» است.
 (۳) وجه‌شبهه در «آیینۀ آب نشان دادن» است.
 (۴) گلبن جویبار یک تشبیه از نوع ترکیب اضافی است.
- ۳- در کدام بیت، آرایه «تشبیه» وجود ندارد؟
 (۱) حریر باورم از شعلۀ ندامت سوخت
 (۲) هر چه به گرد خویشتن می‌نگرم در این چمن
 (۳) نبینی باغبان چون گل بکار
 (۴) هرگز نمیرد آن‌که دلش زنده شد به عشق
- ۴- در کدام گزینه «تشبیه فشرده» از نوع ترکیب اضافی به کار نرفته است؟
 (۱) هر چه به گرد خویشتن می‌نگرم در این چمن
 (۲) نبینی باغبان چون گل بکار
 (۳) هرگز نمیرد آن‌که دلش زنده شد به عشق
 (۴) هر چه باورم از شعلۀ ندامت سوخت
- ۵- در کدام گزینه، «تشبیه فشرده» وجود دارد؟
 (۱) همچو پروانه دلم سوخته عشق تو بود
 (۲) آمد موج آلت کشتی قالب بیست
 (۳) قدر یاقوت لب او را که می‌داند که چیست
 (۴) پیش امواج حوادث، پایداری سهل نیست
- ۶- در همه گزینه‌ها به جز گزینه تشبیه دیده می‌شود.
 (۱) من خویشتن اسیر کمند نظر شدم
 (۲) گهی چو اشک نشستم، گهی چو رنگ پریدم
 (۳) گیسوان زیبای او چون آبشار طلائی‌رنگ می‌درخشید.
 (۴) برای قدکشیدن در هوایت
- ۷- در همه گزینه‌ها «آرایه تشبیه» به کار رفته است، به جز گزینه
 (۱) عاکفان کعبه جلالش به تقصیر معترف و اصفان حلیه جمالش به تحیر منسوب.
 (۲) فراش باد صبا را گفته تا فرش زمردین بگسترده و دایه ابر بهاری را فرموده تا بنات نبات در مهد زمین پرورد.
 (۳) درختان را به خلعت نوروژی قبای سبز ورق در برگرفته و اطفال شاخ را به قدوم موسم ربیع کلاه شکوفه بر سر نهاده.
 (۴) عصاره تاکی به قدرتش شهد فایق گشته و تخم خرمایی به تربیتش نخل باسق گشته.
- ۸- نوع تشبیه در کدام گزینه با بقیه متفاوت است؟
 (۱) دل ما به دور رویت ز چمن فراغ دارد
 (۲) چون آینه جان نقش تو در دل بگرفته است
 (۳) بار غمت می‌کشم وز همه عالم خوشم
 (۴) دانش اندر دل چراغ روشن است
- ۹- در همه مصراع‌ها آرایه تشبیه به کار رفته است، به جز گزینه
 (۱) ما و من آینه‌داری بیش نیست.
 (۲) برق با شوقم شراری بیش نیست.
 (۳) عیش این گلشن خماری بیش نیست.
 (۴) فخرها دارند و عاری بیش نیست.

(سراسری ۷۵)

(انسانی ۸۴)

(آزاد ۸۶)

۱۰- در عبارت زیر چند تشبیه فشرده وجود دارد؟

«فزاش باد صبا را گفته تا فرش زم‌زدین بگسترند و دایه ابر بهاری را فرموده تا بنات نبات در مهد زمین بپرورد.»

(۱) چهار (۲) پنج (۳) سه (۴) شش

(آزاد انسانی ۸۴)

۱۱- در کدام گزینه «وجه‌شبه» حذف شده است؟

(۱) لب‌ت تا در لطافت لاله سیراب را مآند
 (۲) از بس که کوته است و سیه زلف یار من
 (۳) دست از مس وجود چو مردان ره بشوی
 (۴) شبی چون شبه روی شسته به قیر

(زبان ۸۳)

۱۲- در کدام عبارت آرایه «تشبیه» وجود ندارد؟

(۱) هوا همچو نگاه وحشتناک غارها حرکتی نداشت.
 (۲) شیبه چند اسب بی‌شکیب، سکوت دشت را در هم می‌شکست.
 (۳) سوسوی چند مشعل، پرده سیاه شب را می‌درید و پیش می‌رفت.
 (۴) او در یک شب ظلمانی، چون اختری روشن و پر فروغ از تاریکی‌ها و سیاهی‌ها می‌گریخت.

۱۳- در سروده نیما «و جدار دنده‌های نی به دیوار اناقم دارد از خشکیش می‌ترکد / چون دل یاران که در هجران یاران» کدام گزینه «مشتبه» است؟

(۱) دل یاران (۲) جدار دنده‌ها (۳) خشکیش (۴) هجران یاران



پاسخ سؤال‌های چهارگزینه‌ای

- ۱- گزینه «۲» هر تشبیه ریشه در نوع نگاه و تفکر گوینده دارد و آنچه موجب زیبایی تشبیه می‌شود، وجه شباهت است.
 ۲- گزینه «۴» «گلبن جویبار» ترکیب اضافی است اما تشبیهی در آن دیده نمی‌شود.
 ۳- گزینه «۳» «چون» در این بیت به معنای «وقتی که» به کار رفته است و تشبیه ندارد.

بررسی سایر گزینه‌ها

- گزینه (۱): حریر باور: باور به حریر تشبیه شده است.
 گزینه (۲): آینه ضمیر: ضمیر به آینه تشبیه شده است.
 گزینه (۴): جریده عالم: عالم به جریده تشبیه شده است.

- ۴- گزینه «۱» دل شاعر: مشبه - پروانه: مشبه‌به - همچو: ادات تشبیه - سوخته عشق: وجه‌شبهه و در مصراع دوم ی = تو (محدوف): مشبه - شمع شبستان: مشبه‌به

بررسی سایر گزینه‌ها

- گزینه (۲): موج آلت و کشتی قالب: آلت به موج و قالب به کشتی تشبیه شده است.
 گزینه (۳): یاقوت لب: لب به یاقوت تشبیه شده است.
 گزینه (۴): امواج حوادث: حوادث به امواج تشبیه شده است.
 ۵- گزینه «۲» «سنگ حوادث» حوادث: مشبه و سنگ: مشبه‌به

بررسی سایر گزینه‌ها

- گزینه (۱): مصراع اول: قامت: مشبه - صفت: ادات تشبیه - کمان: مشبه‌به - خمیدگی: وجه‌شبهه
 مصراع دوم: یار: مشبه - چون: ادات تشبیه - تیر: مشبه‌به - ناگهانی رفتن: وجه‌شبهه
 گزینه (۳): گیسوان: مشبه - چون: ادات تشبیه - آبشار طلایی‌رنگ: مشبه‌به - درخشش: وجه‌شبهه
 گزینه (۴): دل: مشبه - مثل: ادات تشبیه - صنوبر: مشبه‌به - صبوری: وجه‌شبهه
 تشبیه ندارد.

بررسی سایر گزینه‌ها

- گزینه (۱): کمند نظر: نظر به کمند تشبیه شده
 گزینه (۳): م (من): مشبه - اشک: مشبه‌به / م (من): مشبه - رنگ: مشبه‌به
 گزینه (۴): چاه مذلت: مذلت: مشبه - چاه: مشبه‌به
 هیچ تشبیهی ندارد.

بررسی سایر گزینه‌ها

- گزینه (۱): کعبه جلال (جلال: مشبه - کعبه: مشبه‌به) - حلیه جمال (جمال: مشبه - حلیه: مشبه‌به)
 گزینه (۲): فراش باد صبا (باد صبا: مشبه - فراش: مشبه‌به) - دایه ابر بهاری (ابر بهاری: مشبه - دایه: مشبه‌به) - بنات نبات (نبات: مشبه - بنات: مشبه‌به) - مهد زمین (زمین: مشبه - مهد: مشبه‌به) - فرش زمردین (فرش: مشبه - زمرد: مشبه‌به)
 گزینه (۳): قبای سبز ورق (ورق: مشبه - قبا: مشبه‌به) - اطفال شاخ (شاخ: مشبه - اطفال: مشبه‌به) - کلاه شکوفه (شکوفه: مشبه - کلاه: مشبه‌به)

- ۸- گزینه «۳» بار غم تشبیه فشرده است، در حالی که در دیگر گزینه‌ها تشبیهات گسترده هستند.

بررسی سایر گزینه‌ها

- گزینه (۱): دل: مشبه - چو: ادات تشبیه - سرو: مشبه‌به - پای‌بندی: وجه‌شبهه
 دل: مشبه - چو: ادات تشبیه - لاله: مشبه‌به - داغ‌دار بودن: وجه‌شبهه
 گزینه (۲): جان: مشبه - چون: ادات تشبیه - آینه: مشبه‌به - نقش در دل نگرفتن: وجه‌شبهه
 دل: مشبه - چو: ادات تشبیه - شانه: مشبه‌به - فرورفتن: وجه‌شبهه

گزینۀ (۴): دانش: مشبّه - چراغ: مشبّه‌به - روشنایی‌بخش: وجه‌شبه
مصراع دوم: دانش: مشبّه - جوشن: مشبّه‌به
هیچ تشبیهی ندارد.

۹- گزینۀ «۴»

بررسی سایر گزینۀها:

گزینۀ (۱): ما و من: مشبّه - آینه‌دار: مشبّه‌به
گزینۀ (۲): برق: مشبّه - شرار: مشبّه‌به
گزینۀ (۳): عیش (دنیا): مشبّه - خمار: مشبّه‌به
۱۰- گزینۀ «۲» فراش باد صبا / دایۀ ابر بهاری / بنات نبات / مهد زمین / فرش زمردین
دارای تشبیه فشرده است: «مس وجود» و «کیمیای عشق»

۱۱- گزینۀ «۳»

بررسی سایر گزینۀها:

گزینۀ (۱): لطافت: وجه‌شبه (مصراع اول) - بی‌قراری: وجه‌شبه (مصراع دوم)
گزینۀ (۲): کوتاهی و سیاهی زلف، وجه‌شبه است.
گزینۀ (۴): روی شسته به قیر (سیاهی): وجه‌شبه
تشبیه ندارد.

۱۲- گزینۀ «۲»

بررسی سایر گزینۀها:

گزینۀ (۱): هوا به نگاه غارها تشبیه شده است.
گزینۀ (۳): پرده سیاه شب: شب به پرده سیاهی تشبیه شده است.
گزینۀ (۴): او: مشبّه - چون: ادات تشبیه - اختر: مشبّه‌به - روشنایی و فروغ: وجه‌شبه
۱۳- گزینۀ «۱» جدار دنده‌های نی: مشبّه - چون: ادات تشبیه - دل یاران: مشبّه‌به - می‌ترکد: وجه‌شبه



کارگاه تحلیل فصل اول

۱- متن زیر را از نظر تاریخ ادبیات و زیبایی‌شناسی بررسی کنید:

«پس از ابر کرم، باران محبت بر خاک آدم بارید و خاک را گل کرد و به ید قدرت در گل از گل دل کرد.» «مهرصاد العباد»

۲- با توجه به آموخته‌های فصل اول، شعر زیر را تحلیل کنید:

مرده بدم زنده شدم؛ گریه بدم خنده شدم دیدۀ سیر است مرا، جان دلیر است مرا گفت که شیخی و سری، پیشرو و راهبری گفت که با بال و پری، من پر و بالت ندهم چشمۀ خورشید تویی، سایه‌گه بید منم شکر کند چرخ فلک، از مَلِک و مُلک و مَلِک شکر کند عارف حق، کز همه بردیم سبق	دولت عشق آمد و من دولت پاینده شدم زهرۀ شیر است مرا، زهرۀ تابنده شدم شیخ نی‌ام، پیش نی‌ام، امر تو را بنده شدم در هوس بال و پرش بی‌پر و پرکنده شدم چون که زدی بر سر من پست و گدازنده شدم کز کرم و بخشش او روشن و بخشنده شدم بر زبر هفت طبق، اختر رخشنده شدم «مولوی»
---	---

پاسخ کارگاه تحلیل فصل اول

۱- متن متعلق به قرن هفتم است و ویژگی‌های سبک عراقی را دارد و نثر آن مربوط به جریان ساده‌نویسی است. از نظر زیبایی‌شناسی آرایه‌های زیر را می‌توان در آن مشاهده کرد:

(۱) نثر گاهی ساده است و گاه سجع نیز دارد.

(۲) ابر کرم، باران محبت: اضافه تشبیهی (تشبیه فشرده)

(۳) تلمیح به ماجرای خلقت آدم دارد.

(۴) گل و دل: جناس

(۵) تکرار واژه گل دیده می‌شود.

۲- قالب شعر غزل است و متعلق به قرن هفتم و سروده مولوی است. غزل زبان دل و عشق است. از نظر سبک‌شناسی به سبک عراقی سروده شده و ویژگی‌های سبک عراقی در آن وجود دارد. زبان شعر نرم و دلنشین و برخوردار از معانی عمیق انسانی و آسمانی است.

از نظر موسیقی، با خوانش درست شعر، به درنگ منظم و یکنواختی که بعد از هر دسته از هجا وجود دارد، پی می‌بریم. وزن پایه‌های آوایی شعر عبارت است از: «مفتعلن مفتعلن مفتعلن مفتعلن»

پایه‌های آوایی		م ر د ب د	ز ن د ش د م	گ ر ی ب د م	خ ن د ش د م
د	و	ل	ت	ع	ش
د	و	ل	ت	ع	ش

بعد از هر پایه درنگی وجود دارد، درنگ‌های پایان هر پایه، مرز پایه‌های آوایی را به ما نشان می‌دهند. از نظر زیبایی‌شناسی:

از آرایه تشبیه در بیت‌های مختلف بهره برده شده است:

بیت ۱: دولت عشق / بیت ۲: زهرۀ تابنده شدم

بیت ۵: تو چشمۀ خورشید هستی - من سایه‌گه بید هستم / چشمۀ خورشید: تشبیه فشرده

بیت ۷: من اختر رخشنده شدم

آرایه تضاد: بیت ۱: مرده، زنده - گریه، خنده

آرایه جناس: بیت ۲: سیر و شیر - زهره و زهره / بیت ۶: مَلِک و مُلک

آرایه واج‌آرایی: بیت ۴: «ب» و «پ» / بیت ۶: «ک» و «ل»

آرایه ایهام: بیت ۵: زدی (۱) تابیدی (۲) کوبیدی

آرایه تشخیص: بیت ۶: شکر کردن چرخ فلک

آرایه کنایه: بیت ۲: زهرۀ شیر داشتن (شجاع بودن)